

مقابله با ریزشها و ترویج رویش ها اعتقادی افراد و جریانات از منظر قرآن کریم و تجلی آن در بیانات رهبری

تاریخ دریافت مقاله: مرداد ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: شهریور ۱۳۹۹

حمید قادری^۱

نویسنده مسئول:

حمید قادری

چکیده

قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی و مایه هدایت بشر، برنامه های متعددی را برای حرکت به سوی کمال ارائه می دهد. وعظ و پند یکی از راه های مقابله با ریزش که خداوند به حضرت موسی دستور داد به سوی فرعون برو و او را موعظه نما و در بیانات رهبری این امر را تضمین کننده حیات طیبیه اسلام می داند، دوستی با صالحین، از دستورات الهی برای شکوفایی روح انسانی در فرد و اجتماع خواهد بود، راهی مناسب برای دوری از ریزش خواهد بود. مانند ابودر که رهبر نیز احتیاج انقلاب را به این افراد صالح لازم میداند. تعمیق معرفت دینی مانند زندگی نورانی رسول الله از لوازم ترویج رویش ها که براساس آن نیز رهبر نیاز امروزه بشر را در همین موضوع می داند. وظیفه شناسی دانشمندان و نخبگان نیز به عنوان ترویج رویش مانند در کلام رهبری وظیفه خطیر علماء تغذیه معنوی مردم است.

کلمات کلیدی: ریزش، رویش، اعتقاد، قرآن.

مقدمه

بدون شک یکی از مهم ترین وظایف پیامبران الهی نشان دادن خط منبعث از فرامین الهی خواهد بود. لذا بر همگان به مقدار ظرفیت وجودی خویش لازم آید، تا در راه روشنگری و تنویر مسیر حیاتی قدم بنمایند. شناخت عوامل و ایجاد و اسباب تغییر اعتقادات، با استفاده از قرآن سبب این مهم می گردد که می توان سمت و سو به این رویش ها و ریزش را پیدا کرد و با شناسایی مصداق، کمک به روشنگری عموم کرده و سبب دور کردن اذهان، به ریزش هایی که سبب هلاکت می شود، گردید.

قرآن خود را تبیان لکل شی معرفی می نماید، پس لازمه اش دادن برنامه برای کمال و رویش انسان است. در این مبحث که ضمن ارائه آیات، باید در تبیین راهبردهای مهم در خصوص در امان ماندن حداکثری از ریزش و در سایه ی پرخیز رویش، قدمی ثابت گذاشت و این اصول الهی و دینی که خود همگی ماخوذ از آیات الهی است، را سرلوحه زندگی معنوی خویش قرار داد و در مقابل با تمسک و راهکاری عقلی و روایی در مقابل ریزش و عواملش قد، خم ننموده و ایستادگی را مستحکم کرده و حرکت را به سوی کمال واقعی جریان داد. لذا در این بخش دو عنوان را معرفی و بررسی می نماییم: ۱- راهکار مقابله باریزشها، ۲- راهکار دست یابی به رویشها.

۱- راهکار مقابله باریزشها**۱-۱- تعلیم و تربیت صحیح**

اگر فرد و اجتماع در نظر داشته باشد که تعلیم و تربیت صحیح، چه تاثیر شگرفی در اندیشه دارد بدون شک هیچ موقع از این عمل باز نمی ماند. لذا برای کاهش ریزش باید اسباب صحیح برای کسب علم و تربیت و سبک زندگی رامهیا نمود. درسوره توبه آمده (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ) (فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفة ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون)) (آیه ۱۲۲) چرا از هرگروهی طائفه ای از آنان کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آنها را انداز نمایند شاید از مخالفان فرمان الهی حذر نمایند.

ریزش امری جاری و جریان دار است. لذا برای مهار آن و آسیب فردی و جریانی کم تر، باید به دو امر مهم روی آورد: تربیت نیروی جوان و رویش نیروهای معتقد که تربیت قوی دینی داشته باشند. برای حفظ نیروهای موجود، باید رهنمود هایی وارد شود که افراد از امتحان سربلند بیرون آمده و دچار ریزش نشده بلکه رویشی بصیرتی هم به آن اضافه گردد. این آیه نه تنهایی فراگیری آیین الهی را واجب می شمرد، بلکه تعلیم دادن آن را بعد از فراگیری نیز لازم می داند. تعلیم و تربیت صحیح در منظر رهبر بدین صورت است:

کسانی که اهل معرفتند؛ معلم بشوند و انسان ها به آنها مراجعه می کنند؛ باید معراجی برای خودشان درست کنند. بدون معراج نمی شود؛ ما فاسد می شویم. شما به این معراج خیلی احتیاج دارید؛ چون شما مردم را هدایت می کنید. می نویسید، فکر می کنید، شبهات را به ذهن می آورید، برای اینکه آنها را از ذهن ها برطرف کنید. آن ناخالصی ها را محسّم می کنید برای اینکه خالصی ها را به مردم بگویید. خیلی زحمت بر دوش شماست. لذا شما به این معراج احتیاج دارید (خامنه ای، سید علی، دغدغه های فرهنگی، ص ۱۱۶).

۱-۲- وعظ و پند

درمقابل ریزش فردی و جریانی، مستقیم و غیرمستقیم مسئولیتی بر عهده مردم قرار دارد که باید هادی راه، به مقدار ظرفیت وجودی خویش باشند و باورشان به این باشد که اگر یک نفر را زنده نموده اند، گویی جریانی را احیاء کرده اند. (وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إلی رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ) (آنگاه که گروهی از ایشان [به نهی کنندگان از منکر] گفتند: چرا قومی را پند می دهید که خداوند هلاک کننده یا عذاب کننده ی آنان به عذابی شدید است؟ گفتند: [پند دادن ما] برای اعتذار [و رفع مسئولیت] در پیشگاه پروردگارتان است و به این امید که پرهیزکاری کنند) (اعراف ۱۶۴).

آیه فوق نمایانگر انجام مسولیت و پیاده کردن اوامر الهی، برای رشد معنوی و کمال و رویش اعتقادی اشخاص و گروه های مختلف خواهد بود.

خداوند در مورد فرعون به حضرت موسی و هارون (علیهما الرحمة) دستور می دهد:
(أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ) به سوی فرعون بروید که او طغیان کرده است.

(فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى) با او به نرمی سخن گویند، شاید پند گیرد، یا بترسد (طه ۴۳-۴۴).

بنا بر حکمت خداوند حضرت موسی و هارون به سوی فرعون برای پند و اندرز می روند فرعونی که خود علاوه بر ریزش فردی توانسته ریزش جریانی بنی اسرائیل را دامن بزند و این انداز و تحذیر از جانب الهی، هرچند خدای تعالی عالم به عاقبت اوست جنبه اتمام حجت برای هدایت او و دست گیری و نجات از ضلالت و حیرانی در وادی گمراهی را دارد. نتیجه این که سرکشی جاهل و ظالم، نباید مبدل به سکوت و انزوای نیروهای ارشادی و انقلابی برای برپایی و اشاعه حقیقت الهی گردد. بلکه باید مضاعفا و دو چندان به سوی کمک برای روشنایی بیشتر و درخشان نمودن حجت الهی تلاش نمود. مامور به وظیفه بودن بر مامور به نتیجه، در این موضوع غالبیت دارد.

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَأُ وَتَصَرَّوْا أَوْلِيَّكُمْ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلَايَتِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ)

آنان که ایمان آورده اند و مهاجرت کرده اند و با مال و جان خویش در راه، خدا جهاد کرده اند و آنان که به مهاجران جای داده و یاریشان کرده اند، خویشاوندان یکدیگرند و آنان که ایمان آورده اند و مهاجرت نکرده اند خویشاوندان شما نیستند تا آنکه که مهاجرت کنند ولی اگر شما را به یاری طلبیدند باید به یاریشان برخیزید مگر آنکه بر ضد آن گروهی باشد که میان شما و ایشان پیمانی بسته شده باشد و خدا به کارهایی که می کنید بیناست (انفال ۷۲).

شاهد مثال در قسمت (وان استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر) می باشد که اگر گروهی از نظر دینی و اعتقادی دچار چالش و کم اعتقادی و بی توجهی گردیده، باید به فریادشان رسید و در تقویت اعتقادشان کمر همت بست. و فی سبیل الله و بدون در نظر گرفتن دشمنی و کینه، به هدایتشان توجه نموده و در بالا بردن تفکر دینیشان نسبت به خدا و نعمت هایش از جمله؛ نعمت ولایت و امامت کوشید.

نظر رهبر در مورد این موضوع چنین است:

قرآن کریم می فرماید: «الَّذِينَ ان مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ اِقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ». من می خواهم این واجب فراموش شده ای اسلام را به یاد شما و ملت ایران بیاورم: امر به معروف و نهی از منکر. همه ای احاد مردم باید وظیفه ای امر کردن به کار خوب و نهی کردن از کار بد را برای خود قایل باشند. این، تضمین کننده ای حیات طیبه در نظام اسلامی خواهد بود. عمل کنیم تا آثارش را ببینیم.

امر به معروف، یک مرحله ای گفتن و یک مرحله ای عمل دارد مرحله ای عمل، یعنی اقدام با دست و با زور. این مرحله، امروز به عهده ای حکومت است و باید با اجازه ای حکومت انجام بگیرد و لا غیر. اما گفتن با زبان، بر همه واجب است و همه باید آن را بدون ملاحظه انجام بدهند.

روزی بود که اگر کسی کار خلافی مرتکب می شد و دیگری به او اعتراض می کرد، نظام حاکم آن اعتراض را می گویند. ما دیده بودیم که اگر گناهی انجام می گرفت، گناهکار تشویق می گردید؛ اما معترض به گناه کوبیده می شد! امروز، به عکس است. امروز، نه این که گناه در جامعه نیست؛ هست. زمان حکومت امیر المؤمنین (علیه الصلوة والسلام) هم در جامعه گناه بود؛ اما مهم این است که نظام و تشکیلات حاکم بر جامعه - آن کسانی که اداره و مدیریت کشور را بر عهده دارند - میل به طرف صلاح دارند و با گناه و تخلف مخالفند (دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای).

۱-۳- دوستی با صالحین

یک روان شناس غربی می گوید: به من بگویند دوستانتان چه کسانی هستند تا به شما بگویم چه نوع شخصیتی دارید. هر فردی را می توان از طریق دوستانش شناخت و احتیاج به مهارتی در حد دکترای روان شناسی ندارد حتی مردم عادی به راحتی قادر به این کار هستند.

یکی از علل انحراف و کجروی و ارتکاب جرم در نوجوانان و جوانان معاشرت با دوستان ناباب است، به تعبیر واضح و صریح، دوستان ناباب، شیاطین انسی هستند که در لباس دوست، فرد را به ارتکاب گناه تشویق می کنند.

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا: و همراه با کسانی که هر صبح و شام پروردگارش را می خوانند و خشنودی، او را می جویند، خود را به صبر وادار و نباید چشمان تو برای یافتن پیرایه های این زندگی دنیوی از اینان منصرف گردد و از آن که دلش را از ذکر خود بی خبر ساخته ایم، و از پی هوای نفس خود می رود و در کارهایش اسراف می ورزد، پیروی مکن (کهف ۲۸).

جمعی از ثروتمندان مستکبر و اشراف از خود راضی عرب به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسیدند، و در حالی که اشاره به مردان با ایمانی همچون سلمان، ابوذر، صهیب، و خباب و مانند آنها می کردند گفتند: ای محمد! اگر تو در صدر مجلس بنشین، و این گونه افراد که بوی آنها مشام انسان را آزار می دهد، و لباسهای خشن و پشمینه در تن دارند، از خود دور سازی (و خلاصه مجلس تو مجلسی در خور اشراف و شخصیتها! بشود) ما نزد تو خواهیم آمد، در مجلس تو خواهیم نشست و از سخنان بهره می گیریم، ولی چه کنیم که با وجود این گروه جای ما نیست! در این هنگام آیات فوق نازل شد و به پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستور داد که هرگز تسلیم این سخنان فریبنده تو خالی نشود و همواره در دوران زندگی با افراد با ایمان و پاکدلی چون سلمانها و ابوذرها باشد هر چند دستشان از ثروت دنیا تهی و لباسشان پشمینه است. و به دنبال نزول آیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جستجوی این گروه برخاست (گویا با شنیدن این سخن ناراحت شدند و به گوشه ای از مسجد رفتند و به عبادت پروردگار پرداختند) سرانجام آنها را در آخر مسجد در حالی که به ذکر خدا مشغول بودند، یافت، فرمود: حمد خدا را که مردم تا اینکه او چنین دستوری به من داد که با امثال شما باشم. آری زندگی با شما و مرگ هم با شما خوش است! معکم المحیا و معکم الممات (امامی، محمدجعفر، شان نزول آیات قرآن، ص ۳۰۲-۳۰۳).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و با راستگویان باشید) (توبه ۱۱۹).

"بنا بر این، آیه شریفه مؤمنین را دستور می دهد به اینکه تقوا پیشه نموده، صادقین را در گفتار و کردارشان پیروی کنند، و این غیر از آن است که بفرماید " شما نیز مانند صادقین متصف به وصف صدق باشید " زیرا اگر آن بود، می بایستی بفرماید " و از صادقین باشید " نه اینکه بفرماید " و با صادقین باشید "، و این پر واضح است و احتیاج به توضیح ندارد. در تفسیر برهان از ابن شهر آشوب از تفسیر ابی یوسف بن یعقوب بن سفیان روایت کرده که گفت: مالک بن انس از نافع از ابن عمر برای ما حدیث کرد که گفت: خداوند در آیه " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ " صحابه رسول خدا (ص) را دستور داده که از خدا بترسند، آن گاه گفته است که مقصود از صادقین در جمله " كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ " رسول خدا (ص) و اهل بیت آن جناب است.

مؤلف: و در این معنا روایات بسیاری از امامان اهل بیت (ع) وارد شده، و در الدر المنثور از ابن عباس و نیز از ابن عساکر از ابی جعفر آورده که در تفسیر آیه " وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ " گفته اند: مقصود از صادقین علی بن ابی طالب (ع) است. (طباطبایی، محمدحسین، میزان، ج ۹، ص ۵۵۶-۵۴۸).

یکی از راه های علاج واقعه و دوری از گناهان دوستی با انسان های صالح و وارسته می باشد. اما یکی از کارهای استقامت در عقیده و اعتقاد و روند رویشی دوستی و ارتباط با افراد دین مدار می باشد و به کرات در زیارت ها و دعای گوناگون وارده از اهل بیت و آیات متعدد قرآن دوستی با اهل بیت توصیه و تمجید گردید لذا در زیارت جامعه کبیره که خود نوعی امام شناسی کامل است اما هادی (ع) می فرماید:

فَالرَّغِيبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَ اللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ وَ الْمَقْصَرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ وَ الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مِيرَاثُ النَّبَوَّةِ عِنْدَكُمْ وَ إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَ حِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَ فَضْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ وَ آيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ وَ عَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَ نُورُهُ وَ بُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ وَ أَمْرُهُ إِلَيْكُمْ مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ وَ مَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهُ أَوْ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهُ] وَ مَنْ اغْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اغْتَصَمَ بِاللَّهِ، پس روگردان از شما خارج از دین، و ملازمان ملحق شونده به شما، و کوتاهی کننده در حقتان قرین نابودی است، و حق همراه شما و در شما و از شما و به سوی شماست، و شما اهل حق و سرچشمه آن هستید و میراث نبوت نزد شماست، و بازگشت خلق به سوی شما، و حسابشان با شماست، و سخن جدا کننده حق از باطل نزد شماست، آیات خدا پیش شما، و تصیمات قطعی اش در شما، و نور و برهانش نزد شماست، و امر او متوجه شماست، آن که شما را دوست داشت، خدا را دوست داشته، و هر که شما را دشمن داشت خدا را دشمن داشته، و هر که به شما محبت ورزید به خدا محبت ورزیده و هر که با شما کینه توزی نمود، با خدا کینه ورزی نموده است، و هر که به شما چنگ زد، به خدا چنگ زده است (قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ص ۹۰۱-۹۰۹).

بدون هیچ پرسشی کیفیت و ارزش چنین دوستان و رفقای بر هر کس بارز است و در روز قیامت به جای حسرت، برخورد افتخار می کند. اما باید قوه عاقله بتواند با کمال سلامت و دوری از هوی و هوس به تشخیص بپردازد. و دچار ریزش اعتقادی نسبت به عقیده راسخ الهی و اهل بیت نگردد.

دوستی با صالحین در کلام رهبری این چنین آمده است: توصیه ام به شما برادران عزیز این است که هر جا هستید، هر کاری که احساس می کنید انقلاب بدان نیاز دارد، آن را انجام بدهید. انقلاب به کار آدم های کارآمد و صادق نیاز دارد

صدق و اخلاص، شرط اول است. اگر ما در کسی صدق و اخلاص نبینیم، خیلی احتمال دارد که کار او هم به درد نخورد و یا در مواقعی، مشکل درست کند. انسانی که صدق و اخلاص ندارد، ولی کارایی دارد، مثل ماشینی می ماند که اگر مراقبتش نبودند و یک پیچ آن اشکال پیدا کرد، گاهی می بینید که ضربه ای هم به آدم می زند. کارایی انسانی به این است که هر فردی، از روی اخلاص و صدق و نیت صحیح، کاری را که به عهده اش است، انجام دهد تا انسان تلقی شود و ماشین نباشد (خامنه ای، سیدعلی، دغدغه های فرهنگی، ص ۱۶۰).

۱-۴- پایداری در عقیده

توصیه و سفارشی بسیار مهمی در این مرحله این است که: باید در نگه داری عقیده صحیح خویش، تلاش مضاعف نمود. اگر در تعارض زندگی، از عقیده خود دفاع نمایی، پس ریزش دیگر نمی تواند به دنبال نفس آدمی آید. در تفسیر منهج از سفیان بن عبدالله ثقفی بن عبدالله ثقفی نقل شده که گفت از رسول خدا (ص) پرسیدم که مرا به خصلتی راهنمایی فرما تا به آن متمسک شوم حضرت فرمود: بگو تنها پروردگار من خداوند است پس بر این گفتار ثابت و مستقیم باش، گفتم یا رسول الله خطرناک ترین چیزی که از آن باید کناره بود چیست؟ آن حضرت زبان مبارک خود را گرفت و فرمود اینکه زبان خود را نگهداری. (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ) بر آنان که گفتند: پروردگار ما الله است و پایداری ورزیدند، فرشتگان فرود می آیند که مترسید و غمگین مباشید، شما را به بهشتی که وعده داده بودند بشارت است (فصلت ۳۰).

نوید پیروزی و رستگاری به ایمان داران پراستقامت پس از ترسیم گوشه ای از عذاب گمراهگران و گمراهان و ذلت و خفت آنان در روز رستاخیز و سرای آخرت به کیفر کفر و بیدادشان، اینک در نویدی روح بخش و امیدآفرین به مردم با ایمان و شایسته کرداری که در راه حق و عدالت پایداری می ورزند، می فرماید: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست و پیام و پیامبرانش را گواهی کردند؛ آن گاه در راه توحید و تقوا و عدالت و آزادی پایداری ورزیدند، فرشتگان نویدبخش بر آنان فرود می آیند.

از پیامبر گرامی آورده اند که این آیه را برای مردم تلاوت فرمود و آن گاه افزود: «قد قالها ناس ثم كفر اكثرهم، فمن قالها حتى يموت فهو ممن استقام عليها» در گذشته دور و نزدیک کسانی گفتند که پروردگار ما خدای یکتاست، اما بیشتر آنان پس از چندی به آفت شرک و کفر گرفتار آمدند؛ از این رو هر کس این ایمان و اقرار به یکتایی خدا را تا هنگامه مرگ در زبان و عمل داشته باشد و بر آن به راستی پایداری ورزد، او از کسانی است که بر ایمان راستین خویش پایدار بوده و نوید بهشت و رستگاری از آن اوست.

«محمد بن فضل» آورده است که از حضرت رضا (ع) در مورد پایداری در آیه پرسیدم، که فرمود: به خدای سوگند منظور از این پایداری و استقامت در ایمان و توحیدگرایی همان پیروی از امامان اهل بیت و داشتن ولایت آنان است که شما بر آن هستید. «سألت اباالحق الرضا (ع) عن الاستقامة؟ فقال (ع) هي والله ما انتم عليه» (طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۸-۱۹-۲۰).

با این بیان منظور از استقامت و پایداری در آیه شریفه، پایداری بر ولایت راستین امیر مؤمنان و یازده امام معصوم پس از آن حضرت و الگو و سرمشق قرار دادن آنان است.

رهبر معظم در این زمینه چنان می فرماید:

قرآن می فرماید: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ یعنی اعتراف به عبودیت در مقابل خدا و تسلیم در مقابل او. این چیز خیلی بزرگی است، اما کافی نیست. وقتی می گوئیم ربنا الله، برای همین لحظه ای که می گوئیم، خیلی خوب است، اما اگر ربنا الله را فراموش کردیم، ربنا الله امروز ما دیگر برای فردای ما کاری صورت نخواهد داد. لذا می فرماید ثم استقاموا، پایداری و استقامت کنند و در این راه باقی بمانند. این است که موجب می شود تنزل علیهم الملائكة، و آلا با یک لحظه و یک برهه خوب بودن، فرشتگان خدا بر انسان نازل نمی شوند، نور هدایت و دست کمک الهی به سوی انسان دراز نمی شود و انسان به مرتبه عباد الصالحین نمی رسد. باید این را ادامه داد و در این راه باقی ماند؛ ثم استقاموا. اگر بخواهید این استقامت به وجود آید، باید به طور دائم مراقبت کنید که این بار مبنای معنویت از سطح لازم پایین نیفتد (خامنه ای، سید علی، دغدغه های فرهنگی، ص ۹۴-۹۵).

۱-۵- علاج دنیا پرستی

در رابطه با دنیا و زینتش، انسان باید در پی حل از بین بردن جلوه گری دنیا در چشمش، بوسیله اسباب و ابزار مهم از جمله تقوا باشد. اگر در مقابله با دنیا و وابستگی، انسان بتواند پیروز گردد، بدون شک راه رهایی از ریزش را یافته است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از خدا بترسید میان شما و کافران فرقهایی نهد و گناهانتان را بزداید و شما را بیمارزد، که صاحب فضل و کرمی بزرگ است (انفال ۲۹).

در مقابل تقوا الهی، خداوند متعال به بندگان خود وعده بصیرت و تشخیص حق و باطل را می دهد. که بسیار افراد، در مواجهه با موقعیتی که در مقابلشان، حقیقت کم رنگ و باطل پررنگ است، دچار ریزش می شوند، می تواند از نعمت تمییز بین اینان برخوردار شوند.

این جمله کوتاه و پرمعنا یکی از مهم ترین مسائل سرنوشت ساز انسان را بیان می کند و آن اینکه در مسیر، راهی که انسان به سوی پیروزی ها می رود، همیشه پرتگاه ها و بیراه هایی وجود دارد که اگر آنها را به خوبی نشناسد و پرهیز نکند، چنان سقوط می کند که اثری از او باقی نماند. در این راه مهم ترین مساله، شناخت حق و باطل، شناخت نیک و بد، شناخت دوست و دشمن، شناخت مفید و زیان بخش و شناخت عوامل سعادت و یا بدبختی است، اگر به راستی انسان این حقایق را به خوبی بشناسد و رسیدن به مقصد برای او آسان است.

﴿مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ هر که را به خدا و روز قیامت ایمان دارد، این چنین اندرز می دهند و هر که از خدا بترسد، برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد (طلاق ۲).
 «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ... قَدْرًا» می فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ» و هر کس از محرمات الهی به خاطر خدا و ترس از او بپرهیزد، و حدود او را نشکند، و حرمت شرایع را هتک ننموده، به آن عمل کند «يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا» خدای تعالی برایش راه نجاتی از تنگنای مشکلات زندگی فراهم می کند، چون شریعت او فطری است، و خدای تعالی بشر را به وسیله آن شرایع به چیزی دعوت می کند که فطرت خود او اقتضای آن را دارد، و حاجت فطرتش را بر می آورد، و سعادت دنیایی و آخرتیش را تامین می کند، و از همسر و مال و هر چیز دیگری که مایه خوشی زندگی او و پاکی حیاتش باشد، از راهی که خود او احتمالش را هم ندهد و توقعش را نداشته باشد روزی می فرماید، پس مؤمن این ترس را به خود راه ندهد که اگر از خدا بترسد و حدود او را محترم بشمارد و به این جهت از آن محرمات کام نگیرد، خوشی زندگیش تامین نشود، و به تنگی معیشت دچار گردد، نه، اینطور نیست، برای اینکه رزق از ناحیه خدای تعالی ضمانت شده و خدا قادر است که از عهده ضمانت خود بر آید (طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۱۹، ص ۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸).

به نظر رهبر می پردازیم: هم امیر المؤمنین در خطبه‌ی متقین بیان فرموده است: «عظم الخالق فی انفسهم فصغر ما دونه فی اعينهم». علاج دل بستن و مجذوب شدن به دنیا این است که انسان تقوا پیشه کند که از خواص تقوا یکی همین است که «عظم الخالق فی انفسهم»؛ خدا در دل انسان، در جان انسان آن چنان جایگاهی پیدا می کند که همه چیز در نظر او کوچک می شود. این مقامات دنیوی، این اموال، این زیبایی‌ها، این جلوه‌های زندگی مادی، این لذتهای گوناگون در نظر انسان حقیر می شود و بر اثر عظمت یاد الهی در دل انسان، اهمیت پیدا نمی کند. از خصوصیات تقوا همین است. خود او هم- امیر المؤمنین- مظهر کامل همین معنا بود. در این خطبه‌ی معروف «نوف بکالی» که حالا من یک فقره‌ای از آن را بعد عرض می کنم، می گوید حضرت ایستاد روی سنگی، لباس ساده پشمی مندرس کم‌قیمتی بر تن او بود و نعلی از برگ خرما یا از پوست درخت خرما به پای او بود؛ چنین وضعیت فقیرانه و زاهدانه‌ای حاکم و مدیر آن کشور عظیم اسلامی داشت؛ این جور زندگی می کرد و این بیانات عظیم، این جواهر حکمت را بر زبان جاری می شود (دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای).

۲- راه کار های دست یابی به رویش ها

۲-۱- ایجاد توسعه و تعمیق معرفت دینی

برای اینکه همه مردم بتوانند روند، مسیر زندگیشان، روندی رویشی باشد پس لازمه اش این است که به گسترش معرفت و شناخت دین پرداخته شود. در این مرحله باید حلقه‌های تربیتی و معرفتی، در مساجد، مدارس، موسسه‌های فرهنگی و ... دائر گردد و دین را به طور واضح تبیین نمود.

﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا﴾ (سبا ۴۶). بگویند تنها شما رابه یک چیز موعظه میکنم و آنان اینکه دو نفر دونفر، یا یک نفر یک نفر (گروهی یا انفرادی) برای خدا بپاخیزد سپس تفکر و اندیشه کنید.

این سخن را پیامبر به دشمنان لجوج و سرسختی می گوید که آلوده کفر و شرک و همه گونه فساد اخلاق بودند. و به این ترتیب کلید نجات آنها را، از این گردابهای خطرناک در تفکر و اندیشه که طریق و مسیر معرفت است معرفی می کند. و حدیث زیبا از امیرالمومنین می فرماید: یاکمیل مامن حرکه الا وانت محتاج فیها الی معرفه. ای کمیل هیچ حرکتی نیست مگر اینکه تودران نیازمند به معرفت و شناخت هستی (حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص ۱۱۹) شرط اصلی مدیریت و رهبری شناخت است.

حضرت یوسف (ع) هنگامی که پیشنهاد مقام مهمی در حکومت مصر به او شد چنین گفت: (اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم) مرا سرپرست خزائن این سرزمین فراده، چرا که من حفظ کننده آگاهی هستم (یوسف ۵۵). در داستان بنی اسرائیل، نیز هنگامی که آمادگی خود برای پیکار با پادشاه ظالمی به نام جالوت، که آنها را در به در ساخته بود به پیامبر عصر خود اعلام کردند و تقاضا نمودند رهبر و فرماندهی برای آنان برگزیند تا تحت فرمان او با جالوت ستمگر، پیکار کنند، پیامبرشان به آنها چنین گفت: (ان الله قد بعث لکم طالوت ملکاً قالوا انی یکون له الملك علینا ونحن احق بالملک منه ولم یوت سعه من المال قال ان الله اصطفاه علیکم وزاده بسطه فی العلم والجسیم والله یوتی ملکه من یشاء والله واسع علیم) قابل توجه اینکه طالوت که به زمامداری بنی اسرائیل، برای رسالت مهمی یعنی پیکار با یک پادشاه مقتدر ظالم برگزیده شد یک نفر روستایی زاده بود که در یکی از دهکده های در ساحل رودخانه ای به صورت گمنام می زیست و چهارپایان پدر را به چرا می برد و کشاورزی می کرد. اما قلبی آگاه و جسمی نیرومند داشت و شناخت و معرفت او نسبت به مسائل بسیار دقیق و عمیق بود به همین جهت هنگامی که چشم اشموئیل پیامبر بنی اسرائیل بر او افتاد او را به عنوان زمامداری بنی اسرائیل برگزید. و هر قدسران بنی اسرائیل، که معیار ارزش و گزینش را موهوماتی؛ همچون فزونی ثروت و یا اسم و رسم پدر و مادر و فامیل می دانستند، به اشموئیل اعتراض کردند که با وجود ما افراد ثروتمند سرشناس بنی اسرائیل، طالوت شایستگی این مقام را ندارد، او اعتنا نکرد و گفت: این یک امتحان الهی است و همه شما باید در برابر آن تسلیم باشید.

(کَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) چگونه خداوند گروهی را که بعد از ایمان به خدا و گواهی دادن به راستی رسول او و بعد از ادله روشن باز کافر شدند، به راه راست هدایت کند؟ و خدا هرگز گروه ستمکاران را رهبری نخواهد کرد (آل عمران ۸۶).

به بیانات رهبری می پردازیم: پس ببینید من منشأ این انقلاب را چه می دانم. من می گویم منشأ در تدین و در ایمان، ایمان مذهبی و اسلامی. ایمان مذهبی عبارت است از تضمین و تأمین کننده است. بخشی از استعداد و توانایی های انسان که بیشترین تأثیر را در انتخاب راه ها و پیمودن آنها دارد. ایمان مذهبی به انسان قدرت، شجاعت، معرفت، استقلال، اتکاء به نفس، ثبات و استقامت در میدان های سرشار از خطر می دهد. ایمان، نقش واقعیات را به انسان، آنچنان که هست، می نمایاند (خامنه ای، سید علی، دغدغه های فرهنگی، ص ۳۳). آئی که مردم امروز احتیاج دارند این است که ما این اندیشه ای را که ایمان به آن در مردم این همه خیر و برکت به وجود آورده، ما آن ایمان را در مردم تعمیق کنیم، عمق بدهیم، جوری کنیم که معیار، دست مردم بیاید، خط اساسی و اصل دست مردم بیفتد، غیرقابل ضربه بشوند، دوم این است که کار را متقن باید انجام دهید. من این حدیث را واکسینه بشوند. این یک: مکرراً خوانده ام؛ به خصوص برای شما بارها خوانده ام، که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نقل شده. رَجِمَ اللَّهُ امْرَأَةً عَمِلَ عَمَلًا فَاتَّقَنَهُ: خدا رحمت کند آن کسی را که کار را متقن و محکم انجام دهد. کار را جدی باید گرفت. کار را باید محکم انجام داد. متقن باید انجام داد (همان، ص ۱۴۹).

۲-۲- وظیفه شناسی دانشمندان و نخبگان نسبت به هدایتگری

دانشمندان و افراد نخبه نسبت به هدایت افراد و اشخاص عام مسئولیتی سنگین دارند، پس هر لحظه باید در تقویت فکر و ایمان خود و دیگران تلاش نمایند. در فتنه و درگیری های عقیدتی نقش مهم، دانشمندان نمایان می گردد. در دوران غیبت امام زمان (عج) این نقش بسیار ضروری و لازم آید.

(أَقَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقْنِي مِنهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْلِكُكُمْ إِلَيَّ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ)

گفت: ای قوم من، چه می گوئید اگر با من از جانب پروردگارم حجتی باشد و او مرا رزقی نیکو عطا کرده باشد؟ اگر شما را نهی می کنم برای آن نیست که خود سودی ببرم تا آنجا که بتوانم قصدی جز به صلاح آوردنتان ندارم توفیق من تنها با خداست به او توکل کرده ام و به درگاه او روی می آورم (هود ۸۸).

مراد از اینکه فرمود: "من بر بینه‌ای از پروردگار هستم" این است که من آیت و معجزه‌ای دارم که دلالت بر صدق من بر ادعای نبوت دارد، و مراد از اینکه گفت: "خدای تعالی از ناحیه خود رزق نیکویی به من داده" این است که به من وحی نبوت داده که مشتمل است بر اصول معارف و فروع شرایع (طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۱۱، ص ۵۴۸).
و منظور از اصلاح، اصلاح عقیده، اصلاح اخلاق، اصلاح عمل و نظامات اجتماعی است (بایبی، علی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۷۱).

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندان متذکر می‌شوند (زمره).

در این آیه شریفه علم داشتن و نداشتن هر دو مطلق آمده، و نفرموده، علم به چه چیز، و لیکن مراد از آن بر حسب مورد آیه، علم به خداست، چون علم به خداست که آدمی را به کمال می‌رساند و نافع به حقیقت معنای کلمه است، و نیز نداشتنش ضرر می‌رساند، و اما علوم دیگر مانند مال هستند، که تنها در زندگی دنیا بدر می‌خورد و با فانی دنیا فانی می‌گردد.

"إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ" یعنی از این تذکر تنها کسانی متذکر می‌شوند که صاحبان عقلند، و این جمله در مقام تعلیل مساوی نبودن دو طایفه است، می‌فرماید: اینکه گفتیم مساوی نیستند، علتش آن است که اولی به حقایق امور متذکر می‌شود و دومی نمی‌شود، پس برابر نیستند، بلکه آنها که علم دارند بر دیگران رجحان دارند.

و در کافی به سند خود از امام ابی جعفر (ع) روایت آورده که در ذیل این آیه از کلام خدای عز و جل که می‌فرماید: "هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ" فرموده: ما هستیم که دارای علمیم و دشمنان ما ایند که بی‌علمند و شیعیان ما صاحبان خردند (طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۱۷، ص ۳۷۰-۳۷۲).

قال جعفر بن محمد الصادق (ع): علماء شيعتنا مرابطون بالثغر الذي يلي إبليس و عقاريتة... فمن انتصب لذلک من شيعتنا كان أفضل ممن جاهد الروم و الترك و الخزر ألف مرة لأنه يدفع عن أديان مجيبتنا و ذلك يدفع عن أديانهم.

علماء و دانشمندان شیعه، مرزبانانی هستند که در مرزهای اسلامی پاسداری می‌کنند که مبادا شیطان و لشکریانش به حوزه عقائدی شیعه إلقاء شبهه کنند... کسانی که خود را برای پاسخگویی به شبهات آماده کرده‌اند، ارزش‌شان هزار هزار مرتبه برتر از کسانی است که در جبهه حق علیه باطل می‌جنگند؛ زیرا اینها از دین محبان ما دفاع می‌کنند و آنها از بدن محبان ما (مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲، ص ۵).

وظیفه دانشمندان و نخبگان از منظر رهبران چنین آمده است: آنچه که انسان از نخبگان جامعه و جریان‌های سیاسی و گروه‌های سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث، با این خطوط دشمن، با بصیرت مواجه بشوند؛ با بصیرت، اگر بصیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت، خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند؛ آن وقت وضعیت بهتر خواهد بود. بعضی از کارها از روی بی‌بصیرتی است (خامنه‌ای، سیدعلی، شرح ماجرا، ص ۱۱۹).

وظیفه خطیر علماء روشنگرایی و تغذیه معنوی مردم است و اینان به عنوان علم داران بصیرت علمی در هر موضوع و مخصوصاً دینی و اعتقادی شناخته هستند و متأسفانه در حال حاضر هم بسیاری علماء منحرف از جمله مفتی‌های عربستان که عقاید باطله و شبهه ناک را در اذهان عمومی وارد و آنان را بیشتر به ضلالت هدایت می‌نمایند. و یا کشیشان مسیحی که با تصویب قوانین شنیع مخاطب دینی خود را با عقایدی موهوم و دور از حقایق آشنا می‌سازد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای تأکید کردند: فرماندهان این جبهه باید با شناخت مسائل کلان، شناسایی دشمن و کشف اهداف او، طراحی کلان انجام دهند و براساس این طراحی حرکت کنند.
ایشان افزودند: استادی که بتواند، این نقش را ایفا کند، استادی شایسته برای حال و آینده نظام جمهوری اسلامی خواهد بود.

رهبر انقلاب اسلامی مهمترین وظیفه اساتید را در شرایط کنونی، بالا بردن قدرت تحلیل دانشجویان، و ایجاد فضای امید، نشاط، و کار علمی در دانشگاهها دانستند و افزودند: باید درست در جهت مخالف برنامه دشمن که به دنبال ایجاد فضای یأس و ناامیدی در دانشگاهها است، حرکت، و محیط درس و دانشگاهها را فضای امید به آینده کرد (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای).

۲-۳-۲ دعا

بدون شک؛ یکی از ابزارهای مهم و نتیجه دهنده، که بتوان رابطه خود و دیگران را با خود در مسیر صعودی تقویت نمود دعا و استنصار الهی و مدد و توکل در هر زمینه خواهد بود.

قرآن کریم نیز با "آیات خود این ابزار را راهبرد مناسب برای استحکام اصولی برای ادامه راه معرفی می‌نماید.

(وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ) چون بندگان من در باره من از تو بپرسند، بگو که من نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند پاسخ می دهم پس به ندای من پاسخ دهند و به من ایمان آورند تا راه راست یابند (بقره ۱۸۶).

شخصی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرسید: آیا خدای ما نزدیک است تا آهسته با او مناجات کنیم یا دور است تا با صدای بلند او را بخوانیم؟ آیه فوق نازل شد و (به آنها پاسخ داد که خدا به بندگان نزدیک است) (رشیدرضا، محمد، المنار، ج ۱، ص ۱۳۴).

(ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ) پروردگارتان را با تضرع و در نمان بخوانید، زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد (اعراف ۵۵).

اگر انسان رابطه خویش، با خدا را هر لحظه مستحکم و احساس ناتوانی خویش را فقط در محضر پروردگار بیان داشته باشد، بدون شک خود را در زمره بندگان فروتن قلم داد، می نماید. خداوند نیز این رابطه را بسیار و فراوان دوست می دارد و پیوند معنوی را نیز مقاوم می نماید.

(وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ ذَاخِرِينَ) پروردگارتان گفت: بخوانید مرا تا شما را پاسخ گویم آنهایی که از پرستش من سرکشی می کنند زودا که در عین خواری به جهنم در آیند (غافر ۶۰). در حدیثی از امام صادق (ع) می خوانیم: شخصی خدمت ایشان عرض کرد دو آیه در قرآن است که هر چه من به سراغ آن می روم آن را نمی یابم. امام فرمود: کدام آیه است.

گفت: نخست، این سخن خداوند بزرگ است که می گوید (ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) من خدا را می خوانم اما مرا استجابت نمی کند. امام فرمود: آیا فکر می کنی خداوند عزوجل وعده خود را تخلف کرده؟ عرض کرد نه. فرمود پس علت آن چیست: عرض کرد، نمی دانم.

فرمود ولی من به تو خبر می دهم: من اطاع الله عزوجل فیما امره من دَعَائِهِ من جهة الدعاء اجابه. کسی که اطاعت خداوند متعال کند در آنچه امر به دعا کرده و جهت دعا را در آن رعایت کند اجابت خواهد کرد.

عرض کرد: جهت دعا چیست؟ فرمود نخست حمد خدا، یادآوری نعمت، شکر، درود بر پیامبر، گناهان را بیاد و اقرار کنی و از آنها به خدا پناه ببری، توبه نمایی.

دعا در کلام رهبر این چنین است: وقتی ما با خدا سخن می گوئیم، او را نزدیک خود احساس می کنیم، مخاطب خود می دانیم و با او حرف می زنیم، این دستاوردها از جمله ی فواید و عواید دعاست. زنده نگهداشتن یاد خدا در دل، غفلت را که ما در همه ی انحرافها و کجیها و فسادهای انسان، غفلت از خداست می زداید. دعا غفلت را از دل انسان می زداید؛ انسان را به یاد خدا می اندازد و یاد خدا را در دل زنده نگه می دارد. بزرگترین خسارتی که افراد محروم از دعا مبتلای به آن می شوند، این است که یاد خدا از دل آنها می رود. نسیان و غفلت از خدای متعال برای بشر بسیار خسارتبار است. دستاورد دوم دعا، تقویت و استقرار ایمان در دل است. خصوصیت دعا این است که ایمان را در دل پایدار و مستقر می کند. ایمان قابل زوال در مواجهه ی با حوادث عالم و سختیها، خوشیها، تنعمها و حالات گوناگون انسان، در خطر از بین رفتن است. می شناسید کسانی را که ایمان داشتند؛ اما در مواجهه ی با مال دنیا، با قدرت دنیا، با لذات جسمی و شهوات قلبی، ایمان از دست آنها رفت. این، ایمان متزلزل و غیرمستقر است.

سومین دستاورد، دمیدن روح اخلاص در انسان است. با خدا سخن گفتن و خود را نزدیک او دیدن، به انسان روح اخلاص می دهد. اخلاص یعنی کار را برای خدا انجام دادند. همه ی کارها را می شود برای خدا انجام داد. بندگان خوب خدا همه ی کارهای معمولی روزمره ی زندگی را هم با نیت تقرب به خدا انجام می دهند و می توانند بعضی هم هستند که حتی قریبترین و عبادیترین کارها مثل نماز را نمی توانند برای خدا انجام دهند. بی اخلاصی، درد بزرگی برای انسان است. دعا روح اخلاص را در انسان می دمد.

دستاورد چهارم دعا، خودسازی و رشد فضایل اخلاقی در انسان است. انسان با توجه به خدا و با حرف زدن با خدای متعال، فضایل اخلاقی را در خود تقویت می کند؛ این خاصیت قهری و طبیعی انس با پروردگار است؛ بنابراین دعا می شود پلکان عروج انسان به سمت کمالات. متقابلاً دعا رذایل اخلاقی را از انسان می زداید؛ حرص و کبر و خودپرستی و دشمنی با بندگان خدا و ضعف نفس و جبن و بی صبری را از انسان دور می کن. (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای).

۲-۴-صبر

صبر یکی از لوازم و پشتوانه الهی برای رسیدن و داشتن رویش در مقابل ناهمواری ها و موانع افزایش کمال معنوی و رشد عرفانی انسان ها است. صبر یعنی پایداری و استحکام اعتقادی در برابر حادثه ای که ضرر دینی و معرفتی را دنبال دارد.

سوره بقره آیه ۴۵ (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ)

(و طلب یاری کنید از خدا به صبر کردن در مصائب (بعضی گفته اند: مراد، روزه، و صبر در تشنگی و گرسنگی آن است) و طلب یاری کنید و مساعدت خواهید در رستگاری دنیا و آخرت از خدا، به نمازگزاران البته نماز، سنگین و گران است مگر بر کسانی که حال خضوع و ذلت به درگاه خدا دارند، که ایشان از نماز، سنگینی نبینند و بلکه لذت برند). در کافی از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: هر وقت امری و پیشامدی علی (ع) را به وحشت می انداخت، برمی خاست، و به نماز می ایستاد، و می فرمود: (اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ)، از صبر و نماز کمک بگیرید.

و نیز در کافی از آن جناب روایت کرده، که در ذیل آیه نامبرده فرمود: صبر همان روزه است، و فرمود: هر وقت حادثه ای برای کسی پیش آمد، روزه بگیرد، تا خدا آن را بر طرف سازد، چون خدای تعالی فرموده: (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ)، که منظور از آن روزه است (طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۱، ص ۲۳۰-۲۳۱).

سوره بقره آیه ۱۵۳: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (ای کسانی که ایمان آورده اید! مدد جوید به صبر کردن در مصائب و خواندن نماز در اوقات آن (بعضی از مفسرین گفته اند: مراد از «صبر»، روزه است که در آن صبر بر گرسنگی و تشنگی است) البته خدا با صبرکنندگان است)).

نخست می گوید: ((ای کسانی که ایمان آورده اید از صبر و نماز کمک بگیرید)) (یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلوة). و با این دو نیرو (استقامت و توجه به خدا) به جنگ مشکلات و حوادث سخت بروید که پیروزی از آن شما است ((زیرا خداوند با صابران است)) (ان الله مع الصابرين).

به عکس آنچه بعضی تصور می کنند، ((صبر)) هرگز به معنی تحمل بدبختیها و تن دادن ذلت و تسلیم در برابر عوامل شکست نیست، بلکه صبر و شکیبائی به معنی پایداری و استقامت در برابر هر مشکل و هر حادثه است (همان، ج ۱، ص ۵۱۸-۵۱۹).

لذا بسیاری از علمای اخلاق برای ((صبر)) سه شاخه ذکر کرده اند: صبر بر اطاعت (مقاومت در برابر مشکلاتی که در راه طاعت وجود دارد).

صبر بر معصیت (ایستادگی در برابر انگیزه های گناه و شهوات سرکش و طغیانگر). و صبر بر مصیبت (پایداری در برابر حوادث ناگوار و عدم خود باختگی و شکست روحی و ترک جزع و فزع).

صبر در کلام رهبر: من دعوت می کنم بسیجیان عزیز را به اخلاق. اخلاق یعنی چه؟ یعنی حلم و بردباری، صبر و مقاومت، صدق و صفا، شجاعت و فداکاری، طهارت و پاک دامنی. بسیجی ها برای اینکه اجزای این بنای استوار همچنان مستحکم بماند به این احتیاج دارند. اگر بخواهید این بنای رفیع همین طور مستحکم مثل دژ پایدار و استواری در مقابل دشمنان قرار بگیرید، باید این رعایتها را بکنید؛ بردباری نشان بدهید، صبر نشان بدهید، اخلاق نشان بدهید، طهارت نشان بدهید، الگوهای بزرگ صدر اسلام را در نظر بیاورید. ما باید از تکبر دوری کنیم، از تفرعن دوری کنیم (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای).

۲-۵-یاد مرگ

اگر معرفت کامل به این دنیا و متاع قلیلش را دائما، افزایش و شناخت مناسبی از خصوصیت و ویژگی عالمی که در آن هستیم را داشته باشیم، پس علی رغم ملاحظات دنیا، باید به فکری به عالم مرگ و آخرت و برزخ نمود و با القاء فکر مرگ و گذر از این دنیا تا حدودی می توان به ابزار سعادت مندی توجه نمود.

لذا قرآن کریم آیات خود در این موضوع را چنین می فرماید: (وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ) و بترسید از روزی که هیچ کس دیگری را به کار نیاید و هیچ شفاعتی از کسی پذیرفته نگردد و از کسی عوضی نستانند و کسی را یاری نکنند (بقره ۴۸).

پادشاهی و سلطنت دنیوی از هر نوعی که باشد، و با جمیع شئون و قوای مقننه، و قوای حاکمه، و قوای مجریه اش، مبتنی بر حوائج زندگی است، و این حاجت زندگی است که ایجاب می کند چنین سلطنتی و چنین قوانینی بوجود آید، تا حوائج انسان را که عوامل زمانی و مکانی آن را ایجاب می کند بر آورد.

به‌همین جهت چه بسا می‌شود که متاعی را مبدل بمتاعی دیگر، و منافی را فدای منافی بیشتر، و حکمی را مبدل به حکمی دیگر می‌کند، بدون اینکه این دگرگونیها در تحت ضابطه و میزانی کلی در آید، و بر همین منوال مسئله مجازات متخلفین نیز جریان می‌یابد، با اینکه جرم و جنایت را مستلزم عقاب می‌دانند، چه بسا از اجراء حکم عقاب به خاطر غرضی مهم‌تر، که یا اصرار و التماس محکوم به قاضی، و تحریک عواطف او است، و یا رشوه است، صرفنظر کنند، و قاضی به خاطر عوامل نامبرده بر خلاف حق حکم براند، و تعیین جزاء کند، و یا مجرم پارتی و شفيعی نزد او بفرستد، تا بین او و خودش واسطه شود، و یا اگر قاضی تحت تاثیر اینگونه عوامل قرار نگرفت، پارتی و شفيعی نزد مجری حکم برود، و او را از اجراء حکم باز بدارد، و یا در صورتی که احتیاج حاکم به پول بیشتر از احتیاجش به عقاب مجرم باشد، مجرم عقاب خود را با پول معاوضه کند، و یا قوم و قبیله مجرم بیاری او برخیزند، و او را از عقوبت حاکم برهانند، و عواملی دیگر نظیر عوامل نامبرده، که احکام و قوانین حکومتی را از کار می‌اندازد، و این سنتی است جاری، و عادتی است در بین اجتماعات بشری (طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۱، ص ۲۳۳).

(فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ) به کیفر آنکه دیدار چنین روزی را فراموش کرده بودید، اکنون بچشید، مانیز شما را از یاد برده ایم به سزای کارهایی که می‌کرده اید عذاب جاوید را بچشید (سجده ۱۴).

کلمه نسیان به معنای محو شدن صورت ذهنی چیزی است از مرکز و نیروی ذاکره، و گاهی کنایه می‌شود از بی‌اعتنایی به امری مهم، و همین معنای کنایی مورد نظر آیه است.

و معنای آیه این است که وقتی قضای حتمی رانده شده که پیروان ابلیس عذاب را بچشند، پس شما نیز عذاب را بچشید، به خاطر اینکه به لقای چنین روزی بی‌اعتنایی کردید، آن قدر که حتی آن را انکار نمودید و عمل صالحی انجام ندادید، که امروز پاداش نیکی بگیریید، چون ما نیز امروز به آنچه برای شما مهم است یعنی به سعادت و نجات شما بی‌اعتنایییم. جمله "وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ" تاکید و توضیح همان بیان سابق است، و می‌فهماند چشیدن عذاب که شما را بدان مامور نمودیم، چشیدن عذاب دائمی است، و بی‌اعتناییتان به لقای امروز (آخرت)، همان اعمال زشتی است که می‌کردید (همان، ج ۱۷، ص ۳۸۰).

توجه به مرگ در کلام رهبر این چنین آمده است: توجه دادن به عالم مرگ، عالم قبر، عالم قیامت، گرفتاری‌های انسان در دوران مواجهه‌ی با حساب و کتاب و سؤال الهی؛ این یکی از موضوعات مطرح در ادعیه‌ی ماه مبارک رمضان است. برای ما که بر مسندهای مسئولیت تکیه زدیم، توجه به این معنا بسیار مهم است؛ عامل کنترل‌کننده و مراقب برای انسان از جمله عبارت است از توجه به همین عوالم. اینکه بدانیم «لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ»؛ یک حرکت کوچک، یک سکون کوچک، یک اقدام کوچک، یک حرف کوچک از دید محاسبه‌کننده‌ی دوران بعد از مرگ بیرون نیست و از ما سؤال خواهد شد؛ این خیلی تأثیر می‌گذارد در رفتار ما، در گفتار ما، در حرکات ما.

در دعای شریف ابی‌حمزه [می‌خوانیم]: اِرْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَيَّ الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي اَيْدِي اَحِبَّتِي؛ این حالتی که برای همه پیش می‌آید و شاید خیلی‌ها این حالت احتضار و لحظات نزدیکی مرگ را در دیگران دیده‌اند؛ من و شما در آن لحظات از خودمان اختیاری نداریم؛ هیچ‌کس در آنجا به ما نزدیک‌تر از خدا نیست. وَ نَحْنُ اَقْرَبُ اِلَيْهِ مِنْكُمْ وَ لَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ؛ هیچ‌کس نمی‌تواند ما را در آن حالت، از آن ورطه‌ای که در مقابل ما است نجات بدهد، مگر عمل صالح و فضل الهی. عرض می‌کنیم در این دعا که «اللَّهُمَّ اِرْحَمْنِي»؛ در آنجا ما را رحم کن. وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَيَّ الْمُعْتَسِلِ يُقَلِّبُنِي صَالِحُ جِيرَتِي؛ در هنگامی که بعد از مرگ ما را غسل می‌دهند، خدای متعال در آن حالت، رحمت خود را، فضل خود را شامل حال ما کند و به ما ترخّم کند. بی‌اختیار در اختیار دستهای غسل‌دهنده هستیم؛ این مال یکایک من و شما است؛ هیچ‌کدامان از این حالت دوری و فراغت نداریم؛ این برای همه‌ی ما پیش می‌آید. به یاد آن لحظه باشید (دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای).

نتیجه گیری

قرآن کریم بنا بر عبارت تبیان لکل شی، وظیفه هدایت بشر را بر عهده دارد، لذا باید برای حرکت به سوی کمال به ایشان برنامه و دستورات صادر نماید.

راه حل نهایی برون رفت از اسارت شیطان، رفتن بر خیمه اخلاص، تقوا، صبر واستقامت الهی، ایمان راسخ می باشد که خداوند با فرستادن انبیاء الهی این لوازم را تسهیل و تنزیل فرموده و که می توان علاوه بر شخص، به فریاد جامعه وسوق دادنش به مراتب عالیه انسانی کمک نمود(عمار یاسر).

به نظر مقام معظم رهبری بهترین راه برون رفت از ریزش وادامه رویش بدون شک؛ بستن عزم بر دست یابی به تقوای الهی خواهد بود. خواص وجوانان باید به کمک رویش فردی و احزاب و جریان کشور در مقابل توطئه های دشمن (انصراف از عداوت؛ بی ارزشی مقدسات و...) بشتابند.

به نظر ما ارتباط خالص و بدون چشم داشت ظاهری از خدا و بندگان و در مسیر ولایت و اطاعت بودن، خود وسیله ای برای استحکام عقیده خواهد بود. کسانی که ریزش شخصی و ریزش جریانی را ورق می زنند، خود را مستقل و آزاد بدون هیچ راهنمایی مناسب قرار دادند وسکان فکری خود را مانند روشنفکران امروزی و یا مستضعفین فکری به مبانی بی خرد و تقلید بدون اساس دادند و لذا نتیجه نامطلوب یافت می کنند.

اما زمانی که اساس فکر، الهی و درمعیت بزرگی مانند انبیاء و معصومین و اولیاء الهی قرار بگیرد و توجه امروزی نیز به رهنمود های رهبری و ولایت فقیه و مراجع عظام باشد، مطمئناً نتیجه منفی نخواهد بود.

منابع و مراجع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- امامی، محمدجعفر، شان نزول آیات قرآن، امام علی بن ابیطالب، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- ۳- امینی، سیدمحمود، جواهرالاخلاق، فراهانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۴- بابایی، علی، برگزیده تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۵- باجی، عیدی، روشهای آسان در تقویت ایمان، نوید اسلام، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۶- بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان، مترجم، رضا ناظمیان و...، کتاب صبح، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- ۷- بهار دوست، علی رضا، داستان قوم ثمود، مجله گلستان قرآن، شماره ۱۶۶، تهران، ۱۳۸۲.
- ۸- سیدجواد، دعوت، کانون فرهنگی مساجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ۹- دعوت ۲، کانون فرهنگی مساجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- ۱۰- دعوت ۳، رهپویان حق، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- ۱۱- دعوت ۴، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- ۱۲- پناهیان، علی رضا، ریزش ها و رویش ها، دانشگاه امام صادق، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۱۳- پوستین دوز، علی، کلمات وجود، سرمدی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ۱۴- جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۱۵- جزایری، سید نعمت الله، قصص الانبیاء، مترجم، حمامیان قمی، عاطفه، علویون، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ۱۶- جهانبخش، بتول، از ایمان تا ایمان، سفیر اردهال، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ۱۷- حرانی، ابن شعبه حسن بن علی، تحف العقول، مترجم، حسن زاده، صادق، آل علی، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲.

- ۱۸- خامنه ای، سید علی، انسان ۲۵۰ ساله، صهبا، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ۱۹- برداشت‌های قرآنی، نورمعارف، مشهد، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- ۲۰- پنج گفتار رهبر انقلاب در باب توبه و استغفار، صهبا، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- ۲۱- خانواده، صهبا، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- ۲۲- دغدغه های فرهنگی، ایمان جهادی، تهران، چاپ سی ام، ۱۳۹۳.
- ۲۳- شرح ماجرا، انقلاب اسلامی، تهران، چاپ دهم، ۱۳۹۳.
- ۲۴- طرح کلی اندیشه های اسلامی در قرآن، صهبا، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۹۴.
- ۲۵- قرار گاه فرهنگی، صهبا، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- ۲۶- دستغیب، عبدالحسین، قلب سلیم، دارالکتب الجزایری، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
- ۲۷- دوانی، علی، تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ نهم، ۱۳۷۴.
- ۲۸- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۲۹- رضائی، علیرضا، قصه های قرآن، مرسل، کاشان، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۳۰- ستوده نیا، محمدرضا، سعادت پور، سیدهاشم، بصیرت خواص از منظر قرآن، مجله کوثر، شماره ۳۶ سال ۱۳۸۹.
- ۳۱- سبحانی، جعفر، ایمان و آثار سازنده آن، امام صادق، قم، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
- ۳۲- فروغ ولایت، امام صادق، قم، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۲.
- ۳۳- مثل های آموزنده قرآن، امام صادق، قم، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
- ۳۴- شاهروی، سید محمدحسین، روحانیت و بیداری اسلامی، مجله حبل المتین، شماره پنجم، سال دوم، تهران، ۱۳۹۲.
- ۳۵- صوفی، سیدمحمد، دوره کامل قصه های قرآن از آغاز خلقت تا رحلت خاتم الانبیاء، اهل بیت، قم، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۳۶- ضیاءآبادی، سیدمحمد، موعظه، نبا، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
- ۳۷- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه، محمدباقر موسوی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴.
- ۳۸- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، اساطیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۳۹- مجمع البیان، دارالمعرفه، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- ۴۰- علی بن حسین، امام سجاد، صحیفه سجادیه، مترجم، آیتی، عبدالمحمد، سروش، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۹۱.
- ۴۱- علیاری تبریزی، علی بن عبدالله، بهجه الآمال فی شرح زبده المقال، بنیاد فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۴۲- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، اشجع، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹.

- ۴۳- فاطمی نیا، سیدعبدالله، نغمه عاشقی، پیام علمدار، قم، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۴۴- فرات کوفی، ابی القاسم فرات بن ابراهیم، مترجم، آعبدالله، قم چاپ اول، ۱۳۹۱.
- ۴۵- قائمی نیا، علیرضا، درآمدی بر منشأ دین، معارف، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۴۶- قدوسی زاده، حسن، نکته های ناب، معارف، قم، چاپ نهم، ۱۳۹۱.
- ۴۷- قرائتی، محسن، اخلاق آموزشی، اوقاف، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
- ۴۸- تفسیرنور، موسسه در راه حق، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۴۹- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دار الکتب، قم، ۱۳۱۳.
- ۵۰- کلینی، محمدباقر، اصول کافی، مترجم، مصطفوی، جواد، علمیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- ۵۱- مجتبی، سیدجلال الدین، علم اخلاق اسلامی، حکمت، تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۱.
- ۵۲- محمد، رشید رضا، المنار، دارالمعرفه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۳۴۲.
- ۵۳- مدیریت مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت کشاورزی، پیام ها و عبرت های قرآنی، آموزش کشاورزی، کرج، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- ۵۴- مطهری، مرتضی، انسان کامل، صدرا، تهران، چاپ سی و یکم، ۱۳۸۳.
- ۵۵- انسان و ایمان، صدرا، تهران، چاپ هشتاد و هفت، ۱۳۹۲.
- ۵۶- اسلام و نیازهای آن، صدرا، تهران، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۹۱.
- ۵۷- جاذبه و دافعه علی، صدرا، تهران، چاپ هشتاد و چهارم، ۱۳۹۱.
- ۵۸- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق و تعلیق، سید جواد علوی، ناشر، دارالکتب اسلامیة، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۲ ق.
- ۵۹- مدنی، علی خان بن احمد، درجات الرفیعه فی طبقات الشیعه، الوفاء، بیروت، لبنان، ۱۹۸۳ م.
- ۶۰- معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، کویر، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۹.
- ۶۱- معلوف، لوئیس، المنجد، اسلام، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
- ۶۲- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ندا، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۶۳- مکارم شیرازی، ناصر، انوار هدایت، امام علی بن ابیطالب، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ۶۴- پیام قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۹۱.
- ۶۵- مثال های زیبای قرآن، نسل جوان، قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
- ۶۶- تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سی و دوم، ۱۳۸۰.
- ۶۷- یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
- ۶۸- راقی، ملامهدی؛ جامع السعادات، مترجم کریم فیضی، انتشارات قائم آل محمد، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۶۹- ویژه نامه بصیرت قرآنی، ایماز، ۱۳۸۹.

- ۷۰- هلالی، سلیم بن قیس، اسرار آل محمد، مترجم، انصاری، اسماعیل، الهادی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- ۷۱- پایگاه دیجیتالی دانشنامه اسلامی (۱۳۹۴/۶/۱۰ ساعت ۱۴:۰۰) www.wiki.ahlolbait.com
- ۷۲- پایگاه اطلاع رسانی حوزه نت (۱۳۹۴/۰۶/۱۰ ساعت ۱۵) www.hawzah.net
- ۷۳- موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام (۱۳۹۴/۵/۱۴ ساعت: ۱۵) www.ahlolbait.com
- ۷۴- مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن (۱۳۹۴/۰۵/۷ ساعت ۱۵:۰۰) www.iec-md.org
- ۷۵- پژوهشکده باقر العلوم (ع) (۱۳۹۴/۰۷/۷ ساعت ۱۴:۰۰) www.pajoohe.com
- ۷۶- موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان (۱۳۹۴/۴/۲۰ ساعت ۱۴:۰۰) www.tebyan.net
- ۷۷- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۹۴/۰۴/۲۲ ساعت ۱۴:۰۰) www.leader.ir
- ۷۸- نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای (۱۳۹۴/۰۶/۱۵ ساعت ۱۳:۰۰) www.khamenei.ir
- ۷۹- کتابخانه جامع دیجیتالی قائمیه (۱۳۹۴/۰۶/۲۰ ساعت ۱۵:۰۰) www.ghaemiyeh.com
- ۸۰- پایگاه اطلاع رسانی مرکز مطالعات شیعه (۱۳۹۴/۰۵/۱ ساعت ۱۶:۰۰) www.shiasearch.com
- ۸۱- مرکز دیجیتالی قائمیه اصفهان (۱۳۹۴/۰۶/۲۴ ساعت ۱۵:۰۰) www.ghbook.ir
- ۸۲- سایت جامع فرهنگی مذهبی شهید آوینی (۱۳۹۴/۰۶/۲۵ ساعت ۱۵:۰۰) www.avini.com
- ۸۳- پایگاه پرسمان دانشجویی (۱۳۹۴/۰۶/۳۰ ساعت ۱۴:۰۰) www.siasi.porseman.ir
- ۸۴- کتابخانه غدیر (۱۳۹۴/۰۶/۲۱) www.ghadeer.ir
- ۸۵- پایگاه اینترنتی سبب، اندیشگاه مدیریت جهادی (۱۳۹۴/۰۶/۱۰ ساعت ۱۵:۰۰) www.sa-bab.ir
- ۸۶- حوزه نمایندگی ولی فقیه در حج و زیارت (۱۳۹۴/۰۵/۱۴ ساعت ۱۴:۰۰) www.hajj.ir
- ۸۷- پایگاه اطلاع رسانی افسران جنگ نرم (۱۳۹۴/۰۵/۱۴ ساعت ۱۴:۰۰) www.afsaran.javan.ir
- ۸۸- پایگاه خبری بولتون نیوز (۱۳۹۴/۰۶/۲۰ ساعت ۱۴:۰۰) www.bultannews.com